

متن پرسش

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد محترم. ۱- سوال اولم در مورد غرب بود. شما در آثار غرب شناسی خود غرب را با یک پیش فرض به عنوان یک « کلی » در نظر می گیرید و بقیه استدلالها بر پایه آن استوار است. می خواستم یک استدلال برای این موضوع داشته باشم. استدلال شما چیست؟ ۲- آیا حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری هم همین نگاه را به غرب دارند؟ اگر دارند یک ادرسی به ما بدهید .

متن پاسخ

علیکم السلام باسمه تعالی ۱- در ابتدای کتاب «مدرنیته و توهم»، نظر پدر مدرنیته یعنی فرانسیس بیکن عرض شد که معتقد است جهان را باید بر اساس میل خود تغییر دهیم و تمام غرب بر این اساس ظهور کرد و انسان ابزارساز به آن معنی که آنجا بحث شد تولد یافت و لذا غرب از نظر تفکر یک کلّ است. ۲- حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و مقام معظم رهبری «حفظه الله تعالی» در مواجهه با غرب بر روی، روحیهی استکباری غرب نظر دارند و پای نگاه فلسفی به غرب و غرب شناسی به معنی فلسفی آن در کلمات آنها مطرح نشده. اگر بخواهیم خاستگاه رفتاری غرب را از جهت فکری و فلسفی بحث کنیم موضوعات غرب شناسی به میان می آید. مقام معظم رهبری «حفظه الله تعالی» بیشتر بر روی «شکستن مرزهای علمی موجود» در عین تأکید بر روی علم و تحقیق نظر دارند (۶/۸/۸۸) و یا در جایی می فرمایند: «وقتی می گوئیم پیشرفت؛ نباید توسعه به مفهوم غربی تداعی شود...» (۶ آبان ۸۸). موفق باشید